



آزمونی دیگر برای عدالت

یادداشتی از **عمادالدین باقی**
درباره الهه محمدی و نیلوفر حامدی



همه برنگشتند

صحت‌سنجی اظهارات دیروز وزیر علوم
درباره بازگشت همه دانشجویان تعلیمی به دانشگاه



میراث بایدن

درباره کتاب جدید **باب وودوارد** که پشت پرده گفت‌وگوهای بایدن
ترامپ، هریس و بوتین را به نمایش می‌گذارد



تنگه را ببندیم، نفت را چه کنیم؟

بررسی وضعیت خط لوله کوره - جاسک به عنوان مسیر جایگزین تنگه هرمز



واکنش
رئیس صداوسیما
به نظرسنجی
ریزش مخاطبان



فریب دیگران
یا خودفریبی؟



مهرداد خدیر
معاون سردبیر

واکنش تند مرکز تحقیقات صداوسیما به گزارش‌های رسانه‌ها دایر بر کاهش مخاطبان رسانه رسمی به استناد نظرسنجی ایسیا (مرکز افکارسنجی دانشجویان) نشان می‌دهد صداوسیما اصرار دارد با انکار واقعیت‌ها به خودستایی و در واقع خودفریبی ادامه دهد حال آنکه افول رادیو و تلویزیون غیر خصوصی - که به خاطر زاویه با دولت فعلی آن را دولتی هم نمی‌توان خواند - واقعیتی عیان است.

صداوسیما رسانه‌هایی را که بر پایه نظرسنجی ایسیا نتیجه گرفته بودند مخاطبان تولیدات سازمانی با بودجه سالانه ۲۴ هزار میلیارد تومان کاهش یافته به «بی‌اخلاقی رسانه‌ای، شیطنت رسانه‌ای، فریب افکار عمومی و تحریف واقعیت» متهم و خاطر نشان کرده است: «بر مخاطبان فهیم رسانه‌ها مبرهن است که چنین فعالیت‌هایی (نظرسنجی از دانشجویان) نه علمی است و نه اخلاقی!» به عبارت دیگر میزان فهم ما بستگی به این دارد که این نظرسنجی را تعمیم بدهیم یا نه!

شنبه همین هفته هم روزنامه صداوسیما از «پروژه‌سازی ضدملی با حمله به رسانه ملی» خبر داده و در زیرتیتر درشت خود نوشته بود: «دست‌مایه قرار دادن نتایج یک نظرسنجی محدود و ارایه تحلیل‌های بی‌اساس در نقد عملکرد صداوسیما برای خدشه وارد کردن به مرجعیت خبری آن نشان از ایجاد عملیات مسموم روانی علیه رسانه ملی دارد.» همین یک جمله که در زیرتیتر آمده و حاوی صفاتی چون «بی‌اساس» و «مسموم» نشان می‌دهد تا چه حد پذیرای غیرنقد هرچند که ادعای مرجعیت خبری آن موجب انبساط خاطر است و همان آمار ۱۰ تا ۱۵ درصد مرجعیت بخش‌های خبری قابل استنادتر از هر ادعای دیگر است. هرچند صداوسیما اصرار دارد خود را رسانه ملی توصیف کند (و با مزه اینکه نام آن از رادیو و تلویزیون ملی ایران به صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران تغییر یافت تا واژه «ملی» را از عنوان آن بردارند در توصیف آن می‌توان تعبیر رسانه تولید ملال یا رسانه ملول را به کار برد) چون نتایج تولید ملال می‌کند که خود ملول است. در نگاه میلان کوندرا سه نوع ملال را می‌توان از هم تفکیک و معرفی کرد: اولی ملال منفعلانه؛ همچون زمانی که از سر بی‌علاقگی خمیازه می‌کشیم. دومی ملال فعالانه؛ همچون زمانی که خود را وقف یک سرگرمی می‌کنیم و سومی ملال طغیان‌گر. هنگامی که در کسوت مردی جوان شیشه‌های مغازه را خرد می‌کنیم... -افلسفه ملال / لارنس استوندسن / برگردان: افشین خاکباز

ملالی که رسانه ملول ترویج می‌کند نه فعالانه است و نه طغیان‌گرانه. چرا که در غالب اوقات مخاطب را رجز به خمیازه و انمی دارد. ← ۱۶

آرایش جنگی اسرائیل؟

گزارش‌ها از نهایی شدن تصویب **میم نتانیا هو** در قبال ایران با حمایت تندروترین چهره‌های کابینه حکایت دارد



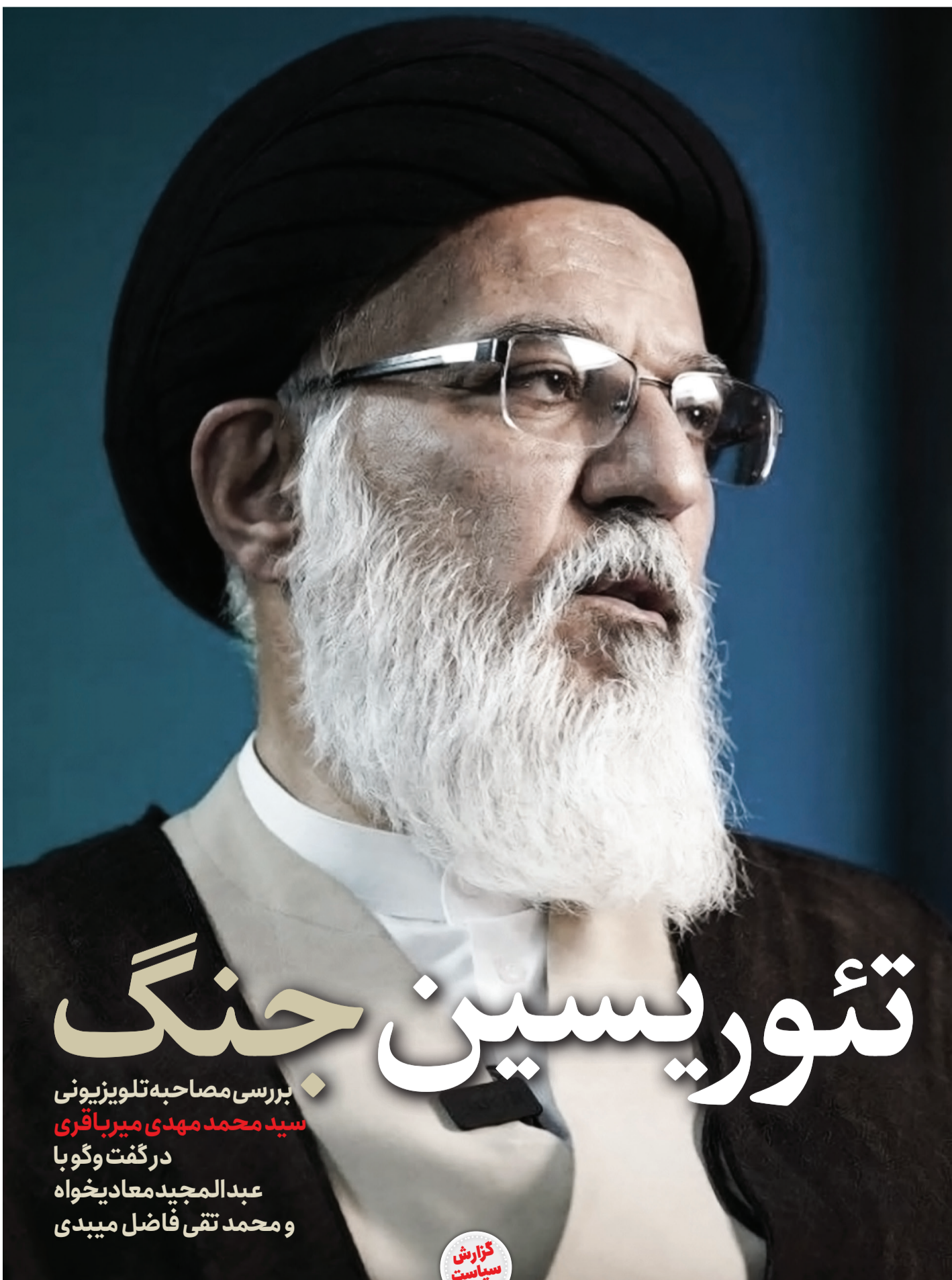
یک کل منسجم

ارزیابی عملکرد محور مقاومت در هماهنگی با ایران



جهانی که پوست انداخت

ایران یا هر کشور و دولت و حتی افراد و گروه‌های سیاسی برای انتخاب سیاست‌ها و اقدامات خود، باید تحلیلی کلان از وضعیت کلی جهان و منطقه داشته باشند. رخدادهای یک سال گذشته ظاهراً به این معنی است که دنیا وارد فضای جدیدی شده است. ۲۳ سال پیش دوران دوقطبی غرب و شوروی به پایان رسید. پس از آن، نظریه «پایان تاریخ» شکل گرفت. این نظریه لیبرال‌دموکراسی غربی را پایان تاریخ می‌دانست و آن را قافله‌ای می‌دانست که همه باید به آن پیوندند تا از این قافله عقب نمانند. نه تنها به لحاظ سیاست‌های اقتصادی بلکه از منظر اخلاقی و معنوی به حقوق بشر نیز از آن دفاع می‌شد. گرچه حضور جدی چین و تاحدی روسیه این نظریه را در سیاست و اقتصاد با چالش مواجه کرد؛ ولی گسترش جنایت و به زمین گذاشتن پرچم حقوق بشر از سوی غرب، از نظر اخلاقی هم این نظریه را با چالش روبه‌رو کرد. در نهایت، اتفاقات یک سال گذشته و جنایات آشکار اسرائیل در غزه و اکنون در لبنان تیر خلاصی بود بر وجه اخلاقی این نظریه. جنایاتی که در جهان بی‌سابقه است و فقط در نظام هیتلری نمونه دارد. سکوت و حتی حمایت غرب از این جنایات نشان می‌دهد که وارد جهان جدیدی شده‌ایم. جهانی که دولت‌های غربی حتی به اعتراضات و مطالبات اخلاقی مردم خود برای مواجهه با اسرائیل نیز پاسخ در خوری نمی‌دهند. یکی از شواهد این ادعا اظهارات خانم وزیر خارجه آلمان است که می‌گوید اسرائیل حق دارد اماکن مدنی (غیر نظامی) را هدف قرار دهد و آلمان بابت کمک به اسرائیل شرم‌منده نیست و این کمک‌ها را ادامه خواهد داد. در واقع، آلمان به صراحت خلاف مقررات بین‌المللی از جنایت دفاع کرده تا جبران جنایات خودشان در هولوکاست را کرده باشند. آلمان تنها نیست؛ بلکه دیگر قدرت‌های اصلی اروپایی هم جز اسپانیا در همین مسیر گام بر می‌دارند. این وضعیت اروپاست که با یک استاندارد دوگانه هم‌زمان بزرگترین تبلیغات را علیه نقض حقوق جنگ در اوکراین می‌کند و در عین حال، از اقداماتی چندبرابر بدتر از آن از سوی اسرائیل تمام‌قد دفاع می‌کند. هنگامی که کشورهای مهد دموکراسی و حقوق بشر چنین رفتار می‌کنند، از ایالات متحده چه انتظاری می‌توان داشت. این اروپایی است که ۵۰ سال پیش علیه بمباران آمریکا در ویتنام تظاهرات موثر می‌کرد، ولی اکنون حکومت‌هایش در برابر جنایات اسرائیل حتی سکوت هم نمی‌کنند، بلکه حمایت می‌کنند. در چنین شرایطی، رفتار ایالات متحده روشن است. از یک سو، اسرائیل را تهدید می‌کند که مرتکب جنایت نشود؛ ولی از سوی دیگر، هم‌زمان جریان حمایت تسلیحاتی راه‌سوی منطقه روان کرده و برای گسترش جنگ در منطقه و چراغ سبز برای حمله به ایران نشان می‌دهد. ← ۱۷



تئوریسین جنگ

بررسی مصاحبه تلویزیونی **سید محمد مهدی میربافقی** در گفت‌وگو با **عبدالمجید معادیخواه** و **محمد تقی فاضل میبیدی**



گزارش سیاست ۴-۵